

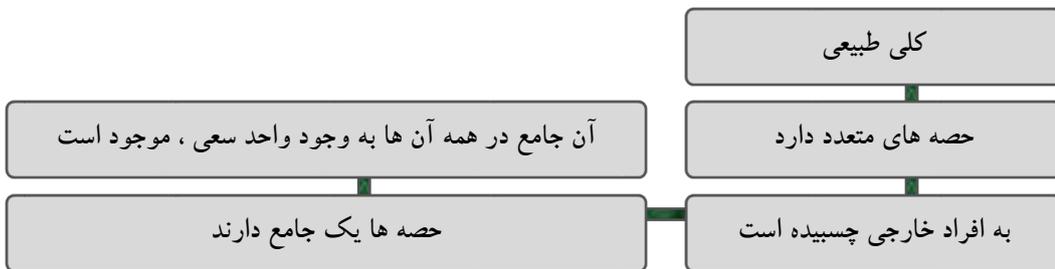
مرحوم/امام در تبیین عقیده ایشان می نویسند:

«رَبِّمَا يُقَالُ: إِنَّ لِعَمُومِ الْوَضْعِ وَالْمَوْضُوعِ لَهُ مَعْنَى آخَرَ غَيْرَ مَا هُوَ الْمَشْهُورُ، بِتَوْهَمِ أَنَّ لِلطَّبِيعِيِّ حِصَصًا فِي الْخَارِجِ مُتَكَثِّرَةً الْوُجُودِ، وَ لَهَا جَامِعًا مَوْجُودًا فِي الْخَارِجِ بِالْوُجُودِ السَّعِيِّ مَلَاصِقًا لِلْخُصُوصِيَّاتِ، وَاحِدًا بِالْوَحْدَةِ الذَّاتِيَّةِ، بِدَلِيلِ انْتِزَاعِ الْمَفْهُومِ الْوَاحِدِ مِنْهَا، وَ تَأْتِيرِ الْعَلْتَيْنِ فِي مَعْلُولٍ وَاحِدٍ، وَ لِلصُّورِ الذَّهْنِيَّةِ لِلْأَفْرَادِ - أَيْضًا - جَامِعًا كَذَلِكَ، وَ إِلَّا لَمْ يَكُنْ تَامًّا الْإِنْطِبَاقَ عَلَى الْخَارِجِ، وَ لَازِمَ ذَلِكَ عَدَمُ مَجِيءِ الْمَعْنَى الْمَشْتَرَكِ فِي الذَّهْنِ إِلَّا فِي ضَمَنِ الْخُصُوصِيَّاتِ، فَحِينَئِذٍ يُمْكِنُ مِلَاظَمَةُ صُورَةِ هَذِهِ الْجِهَةِ الْمُتَّحِدَةِ السَّارِيَةِ فِي الْخُصُوصِيَّاتِ الْمَطَابِقَةِ لَهَا فِي الْخَارِجِ بِتَوْسِيطِ مَعْنَى إِجْمَالِيٍّ، وَ وَضْعِ اللَّفْظِ لَهَا لَا لِلْخُصُوصِيَّاتِ، فِي قِبَالِ وَضْعِهِ لِلْجَامِعِ الْمَجْرَدِ عَنْهَا، وَ هَذَا - أَيْضًا - مِنْ الْوَضْعِ الْعَامِّ وَالْمَوْضُوعِ لَهُ كَذَلِكَ»^۱

توضیح :

- (۱) کلی طبیعی در عالم خارج دارای حصّه است. این حصّه ها وجودات متکثره دارند (یعنی با هم متفاوت هستند).
- (۲) ولی این ها با هم قدر مشترکی نیز دارند. این قدر مشترک به «وجود سعی» در بین همه موجود است.
- (۳) این حصّه ها به افراد و مصادیق کلی طبیعی چسبیده اند.
- (۴) این قدر مشترک واحد است (چراکه نمی توان از حصه های مختلفی که قدر مشترک واحد ندارند، یک معنای واحد انتزاع کرد و اگر یک معنای واحد از متکثراتی که قدر مشترک واحد نداشتند انتزاع میشد، علت های متعدد - متکثرات - مفهوم واحد را پدید می آوردند) [و این مخالف قاعده الواحد است]

(۵) پس :



(۶) صورت

ذهنیه افراد، نیز آن جامع را دارا هستند چراکه به تمامه با عالم خارج منطبق می باشند.

(۷) پس با تصور افراد می توان، آن معنای جامع را تصور کرد و برای آن اسم گذاری کرد.

مرحوم/آملی در تقریر عقیده ایشان می نویسد:

«إذا عرفت ذالك فاعلم ان كل مرتبة من مراتب الوجود السعي اذا لاحظناها بآثارها و حدودها مع قطع النظر عن إقترانها بالمشخصات الخارجية و سريانها في الوجودات الشخصية أمكن انتزاع عنوان خاص بتلك المرتبة يعبر عنه بالكلي الطبيعي و هي طريقة المشهور في تصويره و بما أن تلك المرتبة من

۱. مناهج الوصول؛ امام خميني (ره)؛ ج ۱ ص ۱۶۰



الوجود السعي سارية في الوجودات الشخصية و مقترنة بالمشخصات الجزئية يكون مطابق ذلك العنوان المعبر عنه بالكلية الطبيعي سارياً في الوجودات الشخصية ايضاً بسريان الوجود السعي فيها و حينئذ يمكن ملاحظة تلك المرتبة من الوجود السعي في حال سريانها في الوجودات الشخصية و اقترانها بالمشخصات الجزئية بحصول صورة تلك المرتبة في الذهن مع ما يلزمها من المشخصات التفصيلية فيوضع اللفظ بازاء هذه الصورة نفسها و إن كان حصولها في الذهن مستلزماً لتصور مشخصات تلك المرتبة تفصيلاً^١

توضيح :

- (١) هر مرتبه از مراتب وجود را می توان مستقل از افراد لحاظ کرد.
 - (٢) در این لحاظ توجهی به افراد خارجی نداریم.
 - (٣) این همان نظر مشهور در «وضع عام ؛ موضوع له عام» است.
 - (٤) کلی طبیعی (مرتبه وجود سعي) در وجودات خارجی (افراد) ساری است و با مشخصات خارجی قرین است.
 - (٥) گاه می توان برای این طبیعت ساری (که ممزوج با مشخصات فردی است)، اسم گذاری کرد. در این صورت، کلی طبیعی همراه با همه مشخصات افراد به ذهن می آید ولی باز اسم برای کلی طبیعی گذارده می شود.
- ما می گوئیم : ظاهراً باید بفرمایند طبیعت ساری همراه با حصه ها (که آن حصه ها با مشخصات فردیه قرین است) به ذهن می آید.

